

# زبان شیرین فارسی را چگونه بیاموزیم!

گزارش میزگرد  
بررسی کتاب فارسی  
پایه نهم با حضور  
دبیران فارسی شهر  
بیرجند

محمد دشتی  
اشاره

کند. لازم است از حضور صمیمانه، مسئولانه و با نشاط این معلمان عزیز و همراهی و مشارکت مؤثر آنان در بحث‌های طرح شده در این میزگرد تشکر و قدردانی کنیم.



ابراهیم یوسفی:

آسمان رشک برد بهر زمینی که در آن  
دو نفر، یک دو نفس بهر خدا  
بنشینند

واقعیت این است که کتاب فارسی سند متقن و محکمی است برای کسانی که بدان مراجعه می‌کنند و باید معیار فصاحت و بلاغت باشد که البته تا حدود زیادی هم این اتفاق افتاده است و ما هم واقف هستیم که نگارش چنین کتابی کار آسانی نیست، اما این موضوع را هم نباید فراموش کنیم که ما ظرفیت‌های زیادی برای نگارش چنین متونی داریم که نباید از آن‌ها غافل شد. به گمانم همین اشاره برای شروع بحث کفایت می‌کند و ان شاءالله من هم

کتاب درسی، معلم و دانش‌آموز و کلاس درس به وجود آورد و در هر چه بهتر شدن کتاب‌های فارسی مؤثر واقع شود.

در این میزگرد که با حضور آقایان ابراهیم یوسفی، دبیر دبیرستان شهید بهشتی بیرجند و دانشجوی دکترای ادبیات با ۲۵ سال سابقه خدمت، علیرضا عبدالمهدی، دبیر دبیرستان شاهد (شیخ‌هادی هادوی) و کارشناس ارشد ادبیات با ۲۶ سال سابقه، مسلم قوی، دبیر دبیرستان (شیخ‌هادی هادوی) کارشناس ادبیات با ۸ سال سابقه خدمت، و خانم‌ها: زهرا راستگو، دبیر دبیرستان معرفت و کارشناس ارشد ادبیات با ۲۰ سال سابقه خدمت و شهین‌دخت مخملباف، دبیر دبیرستان فرزانه‌گان حضرت زینب(س) و کارشناس ارشد ادبیات با ۲۶ سال سابقه خدمت برگزار شد، درباره میزان پیوستگی مطالب کتاب فارسی هشتم و نهم، و ارزیابی معلمان از فصل‌بندی کتاب فارسی پایه نهم، ارزیابی دانش‌های زبانی و ادبی کتاب گفت‌وگو کردیم و از این معلمان مجرب و علاقه‌مند خواستیم که نظرات خود را درباره اشکالات احتمالی کتاب بیان و پیشنهادهایشان را برای اصلاح و بهبود آن ارائه کنند.

آنچه می‌خوانید گزارش کوتاه شده این میزگرد دو ساعته است که تلاش شده است با حفظ امانت‌داری و با رعایت شمار صفحات مجله تنظیم شود و بتواند همه صحبت‌ها و نظرات این عزیزان را منعکس

استان خراسان جنوبی و شهر بیرجند مهد تولد و پرورش بزرگانی است که زبان و ادب و فرهنگ آنان در همین تاریخ معاصر، زبانزد عام و خاص بوده است. بزرگانی مانند محمدبن حسام خوسفی، حکیم سعدالدین محمد نزاری، علامه سیدمحمد فرزاد، سیدمحمد مشکوة، احمد آرام، محمداسماعیل رضوانی، کاظم معتمدنژاد، غلامحسین شکوهی (چهره ماندگار تعلیم‌وتربیت) و محمدحسن گنجی و صدها نام‌آور دیگر حکایت از پروری این سرزمین کویری دارد که جایگاهی خاص به فرهنگ و ادب و زبان فارسی در این بوم سخت‌جان و ماندگار بخشیده است.

به همین خاطر حضور در بین معلمان و البته نمایندگان از معلمان فارسی بیرجند شوق‌آفرین بود. با هماهنگی آقای ابراهیم یوسفی (سرگروه درس زبان و ادبیات فارسی متوسطه اول استان)، با پنج نفر از معلمان فارسی مدارس بیرجند رأس ساعت مقرر، با کتاب‌هایی حاشیه‌نویسی شده، سؤالاتی که درباره آن فکر کرده بودند و در حالی که همه هماهنگ از بچه‌ها و دانش‌آموزان خود مانند فرزندان‌شان حرف می‌زدند، گرد هم نشستیم تا مجله رشد زبان و ادب فارسی بتواند صحبت‌های این معلمان دلسوز، علاقه‌مند، منظم و با تجربه را در روزهای پایانی هفته معلم در سال ۱۳۹۵ بشنود و در مجله بازتاب دهد؛ بدان امید که پیوندی در اندیشه مؤلفان

در جمع‌بندی مطالب و پس از شنیدن سخنان دوستان و همکاران نکاتی را عرض خواهم کرد.



### علیرضا عبداللهی:

سه‌م ادبیات غنی فارسی در کتاب‌های درسی کم است

من باید ابتدا از همکاران خوبان در مجله رشد زبان و ادب فارسی که این فرصت را در اختیار معلمان ادبیات خراسان جنوبی قرار داده‌اند و شما که رنج سفر به این استان را که فاصله نسبتاً زیادی با تهران دارد، بر خود هموار کرده‌اید، تشکر کنم.

در خصوص دستور زبان فارسی، با عنایت به ارتباطی که بین زبان عربی و فارسی وجود دارد، باید عرض کنم که ناهماهنگی بسیار جدی بین درس زبان فارسی و عربی وجود دارد. در کتاب‌های قدیم و نظام تحصیلی گذشته، دانش‌آموزان در سال اول راهنمایی با فعل و انواع فعل ماضی و فعل مضارع آشنا می‌شدند و نسبت به افعال شناخت پیدا می‌کردند اما امروزه این درس‌ها همه به کتاب سال نهم منتقل شده‌اند. این در حالی است که دانش‌آموزان ما در حال حاضر در کلاس‌های هفتم و هشتم فعل را می‌خوانند و هنوز با فعل آشنا نشده‌اند و فعل ماضی و مضارع را نمی‌شناسند و بنابراین، در دروس عربی خود دچار مشکل می‌شوند. دوستان و همکاران اذعان خواهند کرد که مهم‌ترین رکن جمله فعل است و تا دانش‌آموز آن را به خوبی متوجه نشده باشد، نخواهد توانست دیگر ارکان جمله را تشخیص دهد و ضمناً در درس عربی که سر و کار زیادی با فعل دارد، دچار مشکل خواهد

شد. پس انتظار می‌رود که این دروس به همان وضعیت قبلی خود بازگردند و فعل از همان سال هفتم شروع و در سال هشتم کامل شود و بعد به گروه‌های اسمی و امثال آن بپردازند؛ چون وضعیت قبلی برای یادگیری دانش‌آموز خیلی بهتر بود. دلیل این مدعا هم این است که دانش‌آموز قرار است در سال نهم، فعل فارسی را به عربی و عربی را به فارسی بازگرداند که لازمه آن آشنایی با فعل و انواع آن در سال‌های هفتم و هشتم است. ضمناً لازم است وزن کلمه هم در عربی سال هفتم تدریس شود تا دانش‌آموز سه حرف اصلی کلمه را یاد بگیرد، وزن کلمه را تشخیص بدهد و هم خانواده‌ها را بهتر بسازد.

موضوع دیگر هم این است که به اذعان دوستان مؤلف کتاب نگارش، آن‌ها کتاب فارسی ما را ندیده و دست به تألیف کتاب نگارش زده‌اند. ضمناً ما را موظف کرده‌اند که دو ساعت از درس فارسی را به انشا اختصاص دهیم که این موضوع تناسب سه‌میه‌بندی ساعات برای بخش‌های مختلف را به هم زده است. ما اگر قرار باشد از چهار ساعت فارسی دو ساعت آن را به انشا و یک ساعت را هم به املا اختصاص دهیم، دیگر زمانی برای تدریس مؤثر این کتاب حجیم نمی‌ماند. ضمناً چون از این بخش درس سؤال نمی‌آید، دانش‌آموزان توجه زیادی بدان ندارند. در خصوص ادبیات جهان هم به نظر من با توجه به سه‌م دیگر بخش‌های کتاب، زیاد به این موضوع پرداخته شده است و اگر اشاره‌ای جامع به این موضوع، یعنی ادبیات جهان، بشود کافی است؛ چون با وجود غنای ادبیات فارسی و محدودیتی که در حجم کتاب داریم، این همه پرداختن به ادبیات جهان (که در اندازه و جای خود پرداختن به آن کار لازمی است) در حد یک فصل لازم و مناسب نیست. این در حالی است که به کتاب مهم و ارزشمندی مانند شاهنامه در حد چند بیت پرداخته شده است به این ترتیب، توزیع مطالب نامناسب است و توجه به ادبیات بومی خودمان کافی نیست.



### زهرا راستگو:

بچه‌ها کتاب و معلم فارسی را دوست دارند اما آزمون‌های فارسی را نه!

پاسخ به این سؤال که آیا درس‌های کتاب سال نهم ادامه درس‌های کتاب فارسی هشتم است، باید بگویم که برای مثال، بحث ساختمان اسم در پایه هفتم و در آخرین درس به‌طور خیلی کلی مطرح شده است اما در پایه هشتم بدان پرداخته نشده و مجدداً در پایه نهم در آخرین درس و آن هم به‌صورت ناقص، مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که بحث ساختمان اسم، موضوع چندان پیچیده‌ای نیست و زمانی که در پایه هفتم مطرح می‌شود، همان جا همه ابعاد این موضوع را مطرح می‌کنیم و دریافت و درک بچه‌ها هم نسبت به این موضوع خوب است و همان‌جا مطلب را یاد می‌گیرند. مورد دیگر این است که در پایه هشتم، وابسته‌های پیشین ذکر و به‌طور کامل بیان شده اما در مورد وابسته‌های پسین، به یک نکته اشاره شده و ادامه بحث مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. ضمناً در پایه نهم هم بدان توجه نشده و فقط به صورت گذرا و در قالب یک جدول ارائه شده است. به همین دلیل و با تجربه شخصی‌ای که دارم، با چنین وضعیتی وقتی ما این موضوع را در مدارس عادی برای بچه‌های پایه هشتم به‌طور کامل بیان می‌کنیم، احساسمان این است که آن را خوب فرا می‌گیرند و به طول و تفسیر و ارائه در چند پایه مختلف نیازی نیست.

البته به این نکته هم اشاره کنم که با توجه به محدودیت‌هایی که برای تألیف کتاب وجود داشته، سعی و تلاش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مؤلفان





کتاب ستودنی است، اما برخی اشکالات دیگر هم هست که برای یادآوری در حد فرصت محدودی که مجله در اختیار دارد، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم. البته این موارد را قبلاً هم تحت عنوان نقد کتاب فرستاده‌ایم اما در یکی از برنامه‌ها که با حضور آقای دکتر اکبری برگزار شده بود، ایشان اشاره کردند که ما آن قدر فرصت نداریم که بخواهیم همه اصلاحات را اعمال و نظرات همه همکاران را لحاظ کنیم. البته و به نظر من به‌عنوان یک معلم ادبیات، با همه احترامی که برای همکارانم قائل هستم و زحمات آنان را نفی نمی‌کنم، پذیرفته نیست که در کتاب فارسی ما اشکالات و ایرایشی وجود داشته باشد.

در خصوص فصل‌بندی و ارزیابی خودم از فصل‌بندی کتاب هم باید بگویم که سر فصل‌های تعیین شده برای کتاب خوب است اما چه خوب بود که این فصل‌بندی‌ها به جای توصیف‌هایی مانند شگفتی‌های طبیعت، بر اساس مضامین ادبی مانند ادبیات اندرزی و غنایی و ... صورت می‌گرفت.

در مورد علاقه‌مندی بچه‌ها به درس مختلف هم باید بگویم که بچه‌ها وقتی وارد آزمون‌های خاص می‌شوند، اول خیلی با علاقه به درس فارسی می‌پردازند اما وقتی در معرض آزمون قرار می‌گیرند و می‌بینند مثلاً در درس ریاضی که تلاش کمتری کرده‌اند، نمره بهتری گرفته‌اند و با همه زحمتی که برای فارسی کشیده‌اند، نمرات خوبی دریافت نکرده‌اند، از این درس زده می‌شوند. اشکال اساسی هم این است که در کتاب خیلی کلی‌گویی شده است ولی طراحان سؤال (به‌خصوص در مؤسسات خصوصی و کمک‌آموزشی که با یکدیگر رقابت‌های پنهانی هم دارند) گاه سؤالات و گزینه‌های خیلی ریز و پیچیده‌ای را برای فارسی مطرح می‌کنند که باعث دل‌زدگی بچه‌ها می‌شود. من بارها از دانش‌آموزانم شنیده‌ام که با روبه‌رو شدن و قرار گرفتن در چنین شرایطی می‌گویند، خانم! ما شما و کتاب فارسی را دوست داریم ولی از امتحان فارسی دل‌خوشی نداریم.

یک موضوع مهم دیگر هم این است که

متأسفانه مؤلفان محترم کتاب فارسی، بچه‌ها را خیلی دست‌کم می‌گیرند و به ظرفیت و توان دانش‌آموزان کم توجه می‌کنند. این در حالی است که بچه‌ها در دوره ابتدایی آمادگی خوبی در این زمینه پیدا می‌کنند و اتفاقاً در حال حاضر کتاب ادبیات فارسی متوسطه دوره دوم خیلی خوب است و این کتاب‌ها که مورد توجه بچه‌ها هم هست، الگویی خوبی برای این کار است. ضمناً گاه واژه‌های جدیدی وارد کتاب‌ها شده است که برای خود ما هم معنا و مفهوم خاصی دارد و خیلی سخت است که آن را به دانش‌آموز در معنای جدیدش تفهیم کنیم؛ مثلاً واژه «آرامستان» که ما آن را به معنای محل دفن درگذشتگان می‌شناسیم، به معنای وطن آمده است که چون با عرف و فرهنگ جاری همخوانی ندارد، توسط بچه‌ها و حتی معلمان جذب نمی‌شود یا تصویری که در کتاب از خانم رابعه آمده و شاید برجسته‌ترین تصویر زن کتاب باشد، با تصویری که ما از ایشان داریم همخوانی ندارد و خوب تصویرسازی نشده است.



### شهین دخت مخملباف:

**طرح جلد کتاب فارسی، دانش‌آموز و معلم را به درون این باغ مصفا نمی‌کشاند**

از نگاه من اولین نکته‌ای که باید بدان توجه کرد و حائز اهمیت است، طرح جلد کتاب است. معمولاً طرح جلد کتاب به نوعی نشان‌دهنده ماهیت و هویت محتوای کتاب و معرف چیزی است که در درون این جلد قرار گرفته است و از آن به‌عنوان در ورودی به باغ کتاب یاد می‌کنند. جلد کتاب باید آن قدر جذاب و گویا و مرتبط با

محتوای کتاب باشد که دانش‌آموزان وقتی آن را در دست می‌گیرند، دوست داشته باشند آن را ورق بزنند و حس خوبی از کتاب فارسی خود داشته باشند. حال اگر دوباره به طرح جلد کتاب فارسی پایه نهم نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد که چقدر از آنچه ما به‌عنوان کتاب فارسی از آن انتظار داریم، دور است. تقاضای من این است که برای توجه دوستان، جلد کتاب در حاشیه همین گفت‌وگو چاپ شود تا همکاران مسئول ما در تهیه و تدوین این کتاب و به‌خصوص بخش طراحی جلد کتاب، نگاهی مجدد به این کار - که باید اثر هنری باشد - داشته باشند.

در مورد نظر همکار خوبم خانم راستگو که گفتند تقسیم‌بندی کتاب باید مشخص‌تر و بر اساس انواع دسته‌بندی‌های ادبی باشد، نظر من این است که اتفاقاً انواع ادبی کتاب دقیقاً مشخص است؛ یعنی اگر توجه کنیم، می‌بینیم که در پایه هشتم و نهم، کتاب با تحمیدیه شروع شده است. بعد ادبیات تعلیمی داریم و سپس ادبیات مقاومت و پایداری آمده است. در ادامه نیز ادبیات بومی مطرح و در پایان هم به ادبیات جهان پرداخته شده است.

اگر بخواهم به برخی از کاستی‌های متن کتاب (شعر و نثر) اشاره کنم، باید بگویم وقتی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم متن‌هایی مربوط به ادبیات معاصر و متون کلاسیک و قدیمی دارد اما چیزی که بیشتر جلب توجه می‌کند، این است که متون جدید و ادبیات معاصر ما حجم بیشتری را نسبت به متون قدیم به خود اختصاص داده‌اند؛ یعنی اغلب حکایات کوتاه است و هر از گاه شعرهایی از متون قدیم انتخاب شده که فوق‌العاده کوتاه است و به گفته جناب آقای عبدالهی، فقدان و یا کمبود شعرهایی از شاهنامه فردوسی و یا دیگر شاعران گران قدر و نام‌آور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نکته دیگر هم این است که بین مطالبی که در کتاب آمده است و آنچه در امتحانات مطرح می‌شود هیچ همخوانی‌ای وجود ندارد. چنین مسئله‌ای باعث شده است درس ادبیات برای بچه‌ها به یک درس و ساعت

درسی ملال آور و خسته‌کننده تبدیل شود و با کمال شرمندگی باید بگویم که خیلی اوقات، اشکال از خود دبیران است. گمان من این است که دبیران نیازمند این هستند که بیشتر مطالعه کنند، با مطالب روز آشنا شوند و در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت شرکت کنند. متأسفانه گاه ما نمی‌توانیم به تریدهای بچه‌ها پاسخ دهیم و آن‌ها با چنین ذهنیتی به پایه‌های بالاتر می‌روند و دچار تناقض و مشکل و سردرگمی می‌شوند. جالب است که خیلی از اوقات ما شاهد هستیم که بچه‌ها از ما دبیران جلوترند و ما با آنکه در مدارس خاص تدریس می‌کنیم، اعتراف می‌کنم که در بسیاری از مواقع از بچه‌ها می‌آموزیم و از آنچه آنان می‌دانند یاد می‌گیریم. این موضوع خیلی خوب است که دانش‌آموزان ما بدانند و آگاه باشند، اما دردناک است که ما از آن‌ها عقب باشیم و وضعیتی به‌وجود آید که همکاران ما در بسیاری از مواقع نتوانند برای پاسخ سؤالات به اشتراک نظر برسند. البته خوشبختانه ما در خراسان جنوبی و شهر بیرجند، در دوره متوسطه اول با وجود همکار خوبمان، آقای دکتر یوسفی، با دانش، مدیریت، تجربه و حضور شایسته‌ای که دارند این اشتراک نظر را داریم اما من از برآیند کار حدس می‌زنم که این وضع همه‌گیر و همه‌جایی نباشد و باید به موضوع دانش‌افزایی و به روز بودن همکاران، هم از ناحیه خودشان و هم از سوی آموزش و پرورش، توجه بیشتری بشود.



### مسلّم قوی:

امتحان و کنکور حظ و شیرینی درس فارسی را زائل کرده است به نام آن که به گل نکهت و به گل جان داد به هر کس آنچه سزا دید حکمتش، آن داد!

از نگاه من محتوایی که در این کتاب‌ها آمده است، با عنوان «کتاب فارسی» قدری تفاوت دارد؛ یعنی، اگر عنوان کتاب زبان و ادبیات فارسی بود، شایسته‌تر و رساتر بود. با عنوان فارسی انگار تأکید ما بیشتر بر قرائت است؛ در حالی که به سبب دانش‌های زبانی و ادبی که در کتاب‌ها آمده، عنوان زبان و ادبیات فارسی زینده کتاب است.

در تکمیل صحبت همکارم خانم مخملباف هم باید بگویم که داخل کتاب فارسی، و به‌خصوص بخش ادبیات حماسی، از تصویرسازی‌های خوب و جذابی برخوردار است و با استفاده از شیوه پاستل خوب کار شده است. شیوه پاستل در کار انیمیشن هم کاربرد زیادی دارد و برای تصویرسازی، به‌خصوص تصویرسازی حماسی و تاریخی نیز مناسب است.

از نگاه من هم به‌عنوان کسی که به ادبیات کهن و حماسی و غنی ایران دل بسته است و جای آن را در مدارس خالی می‌بیند، جای شاعری مانند فردوسی بزرگ و اشعار او خالی است و به این شاعر شیرین‌سخن کم پرداخته شده است. به همین دلیل، اگر پس از سه سال خواندن کتاب‌های فارسی، از دانش‌آموزان بخواهید یک داستان حماسی تعریف کنند، نمی‌دانند و نمی‌توانند. حال اگر با توجه به این گوهرهای ادب فارسی و بهره‌گیری از تصویرسازی مناسب، آن داستان‌های حماسی نوشته و تصویر شوند، حتماً در جان و دل دانش‌آموزان ماندگار خواهند شد و ادبیات کهن ما جای شایسته خود را در کتاب‌های فارسی پیدا خواهد کرد. همین نکته و کم‌توجهی به بهره دانش‌آموز از خواندن کتاب فارسی باعث شده است که میزان التذاذ دانش‌آموزان از این کتاب‌ها کاهش یابد و آن‌ها از پرداختن به دانش فارسی به‌عنوان یک میراث ارزشمند و اندوختن آن دور شوند و گاه فرار کنند.

نکته دیگری هم حاصل تجارب شخصی خودم در کلاس درس است، این است که کتاب‌های ما و به‌خصوص کتاب‌های فارسی، دانش‌آموزان را نقاد و پرسشگر بار نمی‌آورد. این موضوع یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش را که به تربیت دانش‌آموزانی

مسئول و نقاد و در عین حال آگاه و ادیب منجر می‌شود، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد که می‌تواند باعث آسیب‌های جدی شود.

گرایش بحث‌های کتاب به سمت مباحث دانشگاهی و استرس و نگرانی آزمون و کنکور، لذت خواندن و فهمیدن و زندگی با ادبیات را از دانش‌آموزان ما گرفته است و همان‌طور که همکاران هم اشاره کردند، باعث شده است که درس شیرین فارسی برای بچه‌های ما دلهره‌آور و بی‌جاذبه باشد که اتفاق خوبی نیست و باید بدان از جوانب مختلف توجه شود.

### ابراهیم یوسفی:

از بین بردن شیرینی درس فارسی، بزرگ‌ترین جفا به این میراث بزرگ ادبی است

با حضور شایسته و مسئولانه‌ای که همکاران در این جلسه داشتند و نکات دقیقی که حاکی از دقت و نکته‌سنجی آنان بود و اشارات ارزشمندی که به تجارب شخصی خودشان در کلاس درس داشتند، جای صحبت چندانی برای من باقی نمانده است. بسیار خوشحالم که معلمان و همکاران ما، به‌خصوص در گروه زبان و ادبیات فارسی و بالاخص در این میزگرد صمیمانه، این‌گونه با مسئولیت‌شناسی و آمادگی و با مطالعه حاضر شده‌اند.

از زاویه میزان پیوستگی مطالب کتاب نهم و اینکه آیا مطالب آن در ادامه مطالب کتاب هشتم هست یا نه، باید بگویم که از نظر من، ترتیب‌بندی و دسته‌بندی آرایه‌های ادبی و دستور زبان است که باید این توالی و پیوستگی را شکل دهد و باعث تعمیق یادگیری شود اما متأسفانه باید بگویم که بسیاری از مطالب همپوشانی دارند. از سویی نیز جای برخی از مطالب اساسی در کتاب‌ها خالی است.

برای مثال، مطالبی مانند تشخیص و تنبیه، کنایه و مراعات نظیر را همه بچه‌ها در دوره ابتدایی می‌خوانند و این مطالب مجدداً در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم تکرار می‌شود که آن پیوستگی مورد انتظار را مورد اشکال و تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. یکی دیگر از مطالبی که در بحث



فصل‌بندی کتاب مورد توجه است و رعایت نشده و البته می‌تواند تابع ملاحظات خاصی هم باشد، ترتیب برخی دروس است که می‌تواند در فصل‌بندی دیگری هم قرار گیرد؛ مثلاً درسی مانند آرش دیگری که درباره شهید حسین فهمیده است، در فصل نام‌ها و یادها آمده است. در صورتی که این درس می‌توانست در بخش‌های اول (بحث هفته دفاع مقدس) مطرح شود.

نکته بعدی درباره موضوع دانش‌های ادبی و زبانی است که واقعاً نظم و ترتیب خاصی ندارد. منطق چنین بحث‌هایی مانند همان موضوع فعل - که آقای عبدالهی بدان اشاره کردند - بالاخره باید از جایی آغاز و در جایی تمام شود و این‌گونه نباشد که در مقطعی اشاره‌های گذرا بدان شود و بعد فراموش گردد و در مقطعی دیگر و بدون مقدمه ادامه پیدا کند.

گاهی اوقات هم ضرورت‌ها و ملاحظاتی وجود دارد. مثلاً می‌بینم در فارسی ششم یا هفتم با فاصله دو تا سه درس، از نویسندگانی خاص دو متن به چاپ رسیده است. چنین سیاست و یا نگاهی باعث می‌شود که فضا برای دیگر متون و یا افراد شاخص و نام‌آور این کشور (همان‌طور که در سخنان دوستان هم بود و از فردوسی بزرگ نام بردند) تنگ شود.

نگاه ما در گروه زبان و ادبیات فارسی این استان که خود هم صبغه فرهنگی و علمی و آموزشی در خور توجهی دارد و بزرگانی در حوزه ادبیات و زبان فارسی از آن برخاسته‌اند این است که ما از تمام ظرفیت‌ها و وجود افراد عالم و شاخص و نویسنده، چه افراد معاصر و چه آثار گذشتگان، به قدر کفایت استفاده نمی‌کنیم؛ به گونه‌ای که کتاب‌های فارسی قبلی خیلی غنی‌تر از کتاب‌های فعلی بودند. همچنین، مؤلفانی که در تألیف کتاب‌های درسی مشارکت داشتند، به این کتاب ارزش خاصی می‌دادند. چون صحبت نقد و بررسی کتاب است و ما هم برای اصلاح و بهتر شدن و به‌عنوان عضوی از مجموعه بزرگ آموزش و پرورش صحبت می‌کنیم، امیدواریم این صحبت‌های صریح و البته از روی حسن نیت و خیرخواهی باعث رنجش دوستان ما نشود. راه دوری

هم نیاز نیست برویم؛ هم کتاب‌های درسی قدیم در دسترس‌اند و هم متون جدید. کافی است فرصت کوتاهی گذاشته شود و دوستان عالم و نیک‌اندیش ما توفیقی کوتاه و مقایسه‌ای عینی داشته باشند تا به راستی و حسن نیت و خیرخواهی همکاران و دوستان خودشان پی ببرند.

تا زمانی که آقای دکتر سنگری در دفتر تألیف حضور داشتند، ما شاهد آثاری بهتر و برتر و کتاب‌های قابل قبول‌تری بودیم. در حال حاضر آقای دکتر اکبری هم تلاش زیادی دارند و برای چنین کار سنگینی زحمت می‌کشند اما واقعیت این است که جای بسیاری از افراد عالم و مؤلف و کاردان خالی است که باید توجه شود.

نباید اشکال‌های فنی و ادبی و ویراستاری و حتی املایی را به حساب اینکه زمانی برای رسیدگی نداریم و کارها با شتاب پیش می‌رود، نادیده بگیریم. شاید بشود در دوره‌های کوتاه به دلیل اشکالاتی که وجود دارد عذرخواهی کرد، اما بعد از پنج یا شش سالی که از تألیف کتاب اول گذشته است، وجود اشتباه و اشکال هیچ توجیهی ندارد و نمی‌توان از آن دفاع کرد. دانشجوی ما در مرکز آموزش عالی فرهنگیان قادر به بخش کردن درست کلمات نیست و همین دانشجو قرار است برود و معلم فرزندان ما شود و ادبیات فارسی درس بدهد. به کجا می‌رویم؟ صحبت از این نیست که نباید اشتباهی صورت گیرد. حرف ما این است که کتاب در هر درسی به‌ویژه درس فارسی سنگ معیار است و هرآنچه در آن نوشته می‌شود، به‌عنوان حرفی که سندیت دارد مطرح و در چند نسل منتقل می‌شود؛ بنابراین، باید در نگارش و تألیف آن دقت به‌عمل آید. همان‌طور که خانم راستگو اشاره کردند، معلمان ما گاه برای حفظ حرمت و دفاع از کیان آموزش و کتاب محبور به توجیه مسائل و رفع و رجوع سؤال دانش‌آموز می‌شوند، ولی واقعیت تلخ این است که این دانش‌آموز با همین ذهنیت شبهه‌ناک به مقاطع بالاتر می‌رود و با روزی صورت درست مسئله را می‌فهمد و به ریش ما می‌خندد و یا آموزه‌های غلط را در تمام عمرم درست می‌پندارد و اگر

خودش مسئول آموزش شود، آن را به نسل‌های بعد انتقال می‌دهد.

مشکل دیگر هم در خصوص کتاب‌های درسی و از جمله کتاب فارسی این است که ظاهراً تهیه محتوا و تدوین آن بر عهده یک گروه و ارزشیابی آن بر عهده گروه دیگری است و همین امر، نبود فهم مشترک و وحدت نظر و رویه بین این دو گروه را باعث می‌شود که مشکلاتی به بار می‌آورد. خانم مخملباف به درستی به این موضوع اشاره کردند که برخی متون ارائه شده در کتاب بسیار ساده است، اما سؤالاتی که برای همین درس‌ها ارائه می‌شود، سؤالاتی است که همکاران ما در مدارس تیزهوشان هم در پاسخ‌گویی به آن‌ها در می‌مانند و بین معلمان با مطالعه، مجرب و توانمند ما در مورد پاسخ صحیح آن‌ها اختلاف نظر به وجود می‌آید. مجموعه همین مسائلی که بدان اشاره کردیم، باعث می‌شود که درسی مانند ادبیات - که باید به دانش‌آموزان نشاط، شادابی، انگیزه و شوق بدهد - به درسی دلپره‌آور و غیرجذاب تبدیل شود. واقعیت این است که وجود چنین وضعیتی بزرگ‌ترین جفایی است که می‌شود در حق زبان و ادبیات غنی فارسی ایران روا داشت. من اگر بخواهم از نگاه خودم اشاره‌های کوتاه به همه آنچه دوستانم بدان پرداختند داشته باشم و یا همه آنچه را در مورد این درس در ذهن دارم، بر زبان بیاورم مثنوی صد من کاغذ خواهد شد و جایش در یک میزگرد نیست. امیدوارم به دلیل اهمیت موضوع و ضرورتی که برای پرداختن بدان وجود دارد، دوستان و عزیزان ما و به‌خصوص آقای دکتر سنگری و همکارانشان - که دغدغه چنین کارهای بزرگی را دارند - همین کار خوب را که در بیرجند تجربه شد در استان‌های دیگر هم انجام دهند و مطمئن باشند که معلمان دلسوز ما از سر حسن نیت آنچه را در کلاس درس بر خود و دانش‌آموزان می‌گذرد، صمیمانه و صادقانه بر زبان خواهند آورد. به این ترتیب، روزهای روشن‌تر و امیدبخش‌تری در انتظار درس شیرین زبان و ادبیات فارسی پیش روی ما و فرزندانمان خواهد بود.